

علمی - تخیلی: آینده نامریی فیلیپ کوروال^۱. ترجمه سحر داوری

۱۵۵

رمان‌های تخیلی به دور از تعیین حدود فردا، پاسخ‌گوی اضطراب آینده هستند، بایر داختن به آن به نحوی هومیوپاتیکی^۲؛ آنها توهمات مربوط به آینده انسان را در محلولی از «واقعیت فرضی» حل می‌کنند.

انسان، با سرعت شصت دقیقه در ساعت و بیست و چهار ساعت در روز، به سوی فناپیش می‌رود. جسم و ذهن فعال بشر، بخشی از هسته گداخته‌ای است که در مکان و زمانی نامعلوم می‌چرخد. و وسایل مورد علاقه او برای جابه‌جایی در این جهان، کالسکه کودک و نعش کش است.

طی زمانی بدین کوتاهی که مدت زمان یک زندگی است، چگونه می‌شود هویت خود را شناخت و چگونه می‌شود این فکر را پذیرفت که این هویت به زودی در بی‌نهایت مضمحل خواهد شد؟ زیگموند فروید^۳ در برابر اضطرابی که زاده این وضع دشوار است چنین پاسخ می‌دهد: «آینده واژه‌ای خالی از معنا است، چرا که فقط زمانی که خود را در آن می‌آفرینیم وجود دارد و من در زمان حال کار می‌کنم، ذهنم هر کجای خواهد تجلی کند.»

همه این‌ها درست، اما آینده متعلق به آتیه‌ای است که فقدان هدفش یادست کمک فقدان تصورش. مارانگران می‌کند. در نهایت، این «فقدان خود» است. یعنی منشأی تابی اضطراب آلودی که هستی ما را همراهی می‌کند.

آتیه‌ای بی‌دغدغه، خوش و خرم یا سرگرم‌کننده، چیزی بیش از مجموعه‌ای از پرت و پلاهای عجیب و غریب نیست که مذاهب و ایدئولوژی‌ها می‌کوشند به کمک آن‌ها از شدت اضطراب نهفته‌ی غریزه در وجدان توده‌ها بکاهند. برعکس، ادبیات علمی-تخیلی زمینه‌ای فراهم می‌کند برای تأملی سازنده درباره‌ی فقدان که عامل محرک هر نوع آفرینش است. و این کار را به لطف «ذهن پیش‌جویی» ای انجام می‌دهد که به دور از تعیین حدود فردا به صورتی که آینده‌نگری بدان می‌پردازد، و از طریق درمان هومیوپاتیکی، یعنی باحل کردن توهمات مربوط به آینده‌ی انسان در محلولی از «واقعیت فرضی»، پاسخ اضطراب را با اضطراب می‌دهد.

همه چیز از اوایل قرن نوزدهم شروع شد، آن‌گاه که جوامع ماگذر از عصر قبیله‌ای و روستاشینی را به عصر شهرنشینی و فناوری آغاز کردند. آن‌گاه که پیشرفت علمی امکان به وجود آمدن این تصور را فراهم کرد که نکند روزی برسد که انسان از آفریدگار پیشی بگیرد. به عنوان مثال، با درست کردن ماشینی انسان‌نما برای «تفویض» انسانیت خودش به آن. و چرا ماشین فکر کردن نسازد. ماشین رؤیا پروردن.

طرح از سحر داوری.

ماشین زندگی کردن، ماشین سفر کردن و تابدون اضطراب پشت آن پناه بگیریم؟ دیگر فرضیه ساختن دنیای باب میل خود، دور از تصور نبود. این آگاه شدن دیرینه‌ترین هراس‌های کیهانی را بیدار کرد. ترس از خشم خدا، برآمده از عکس‌العمل خود تنبیه کردن که بروز آن ترسی توجیه شده از خویشتن است.

بدین ترتیب آفرینش کفرآمیز فرانکنشتاین^۵ مری شلی^۶ از همان ابتدا مشکلاتی را مطرح کرد که مفاهیم اولیه‌ی ادبیات علمی - تخیلی از آن سرچشمه می‌گیرند: آیا شناخت ساخت و کارهای جهان و بهره‌برداری نامحدود از منابع آن‌ها می‌تواند روان رنجوری وجودی را التیام

بخشند؟ آیا برای چیزهایی که بشر اجازه پرداختن به آن را دارد، بدون آن که ویرانی رانصیب خود کند، حدودی وجود دارد؟ به این‌ها، پرسش‌های مرتبط با آن چیزی که در خم ستاره‌ها انتظار انسان را می‌کشد، اضافه می‌شود، چشم‌انداز رودرویی با موجودی بیگانه مضمونی است که هزاران اثر علمی - تخیلی را قبضه کرده است، چون پاسخگوی اضطرابی ریشه‌دار است. آن انسان فضایی‌ای که درون ماست و تجلی تصادفی و فی‌البداهه‌اش ما را به وحشت می‌اندازد کدام است؟

۱۵۷ در جریان یک نواخت جنگ‌ها، دیکتاتوری‌ها، انقلاب‌ها، قحطی‌ها، اپیدمی‌ها و بلاهای طبیعی که دائم‌النسل بشر را تهدید کرده‌اند، فکر جدیدی اضافه شده است. فکری که ممکن است سلطه بر سر نوشت خود در شرایط مبهمی که پیشرفت به وجود آورده، موجد آن باشد. چون اگر اضطراب امروز و فردا چیزی جز یک خاطره نباشد، اضطراب فردا - که تشخیص جوهره آن غیر ممکن است - مجموعه بی‌نهایت گسترده‌ای برابر الهامی می‌گشاید که خود سرچشمه اختلالات عصبی متعددی در ارتباط با اضطراب است. حاصل آن، تولد همزمان دو مکتب در ادبیات علمی - تخیلی است، که مرزها و قلمروهای آنها اغلب با هم خلط می‌شوند. هواداران مکتب نخست باور دارند که موقعیت‌های ناگوار از راه حل‌های نامیدانه نشأت می‌گیرند و وقت آن رسیده که مرهمی بر گناه نخستین گذاشته شود. این خوش‌بینان باور دارند که حرکت و سوسه‌انگیز علوم و فنون، بر تردیدها و مشکلاتی که بشر را به ستوه می‌آورند پیروز خواهد شد. ترس و خشم مایه ارتزاق افراد ناسازگار است. باید روش دیگری برای عکس‌العمل نشان دادن وجود داشته باشد. بدین سبب است که لزومی ندارد شیطان وجودمان را بیرون بیندازیم، بهتر است آن را اهلی کنیم.

ژول ورن^۷ پدر معنوی این مسیر ترقی خواهانه‌ای است که در دهه ۱۹۲۰، موجب تولد رسمی ادبیات علمی - تخیلی در ایالت متحده می‌شود. بازتاب این ادبیات علمی - تخیلی با نویسندگان بزرگ کلاسیک از آرتور کلارک^۸ تا آیزاک آسیموف^۹ و از رابرت هاینلین^{۱۰} تا کیلفورد سیماک^{۱۱} به اوج می‌رسد. نویسندگانی که چهارچوب آینده‌ای را ترسیم می‌کنند که در آن علم، با وجود خطاهایش، رهایی محدود انسان نوین را که از اضطراب‌های بدوی‌اش آزاد شده، میسر می‌سازد. به عنوان مثال، آسیموف، در رابطه با تحول نگران‌کننده و موجه هوش مصنوعی، یعنی رباتی که می‌خواهد انسان شود - همان‌طور که بعدها در پیک تر و فرز^{۱۲} به روایت فیلیپ ک. دیک^{۱۳} توصیف می‌شود - بازی را آرام می‌سازد و آن را تحت سه

قانون در می آورد به طوری که دیگر قادر نیست آن ممنوعیت را نادیده بینگارد. اما همین نویسنده با بداع روان کاوی داستانی در بنیاد^{۱۴}، ثابت می کند که تحلیل داده های آینده ضرورتاً منجر به تسلط بر آن نمی شود. اگر مهندسین کیهان^{۱۵}، سیماک، کتابی سرشار از خوش بینی کهکشانی است، در فردا، سگ ها^{۱۶}، این گرسنگان کانی گو^{۱۷} هستند که روزی جای انسان را خواهند گرفت. می بینیم که هواداران ادبیات علمی - تخیلی آرمان گرایانه، الزاماً آینده ای آسوده ندارند.

برای پیروان مکتب دوم، موقعیت های ناگوار اغلب جز منتهی شدن به ناامیدی راه به جایی نمی برند. این بدبینان موعظه می کنند که پی آمدهای نوآوری، از بین رفتن ارزش ها و نابودی نشانه ها را به دنبال می آورد و تناقضات جهان مختص فن سالاری، فرد را و می دارد که در عالم خود فرورود، بنابراین، خود را انکار کند. خلاق ترین آنها که، به لحاظ الهام، سوسیالیست محسوب می شوند، مانند اچ. جی. ولز^{۱۸}، فکر می کنند که ظهور تمدن های آینده الزاماً (وقتی خواب رفته بیدار خواهد شد^{۱۹})، در ۱۹۸۴ جرج اورول^{۲۰}، با وصف جامعه ای که در آن تلویزیون، شست و شوی مغزی و شخصیت زدایی فرد، چکیده روش شناختی رژیم استبدادی را تشکیل می دهند، وحشت گسترش می یابد، نگران ترها، مانند ری برادبری^{۲۱} شیخ آلودگی بشری را می بینند که در کیهان نقش می بندد (وقایع مریخی^{۲۲})، در تخریب^{۲۳}، رنه

طرح از سحر دلاوری.

آفرینش کفر آمیز فرانکنشتاین مری شلی از همان ابتدا مشکلاتی را مطرح کرد که مفاهیم اولیه ادبیات علمی - تخیلی از آن سرچشمه می گیرند. آیا شناخت ساخت و کارهای جهان و بهره برداری نامحدود از منابع آنها می توانند روان رنجوری و جودی را التیام بخشند؟ آیا برای چیزهایی که بشر اجازه پرداختن به آن را دارد، بدون آن که ویرانی را نصیب خود کند، حدودی وجود دارد؟ به اینها پرسش های مرتبط با آن چیزی که در خم ستاره ها انتظار انسان را می کشد، اضافه می شود.



بارژا اول^{۲۴} معتقد است که انسان انتخاب کننده^{۲۵} باید به طبیعت پدر سالارانه اش باز گردد تا تاریخ خود را بازنویسی کند. مردم گریز ترها هم، چون ژاک استرنبرگ^{۲۶} (راه خروج در اعماق فضا است)^{۲۷} عقیده دارند که ارزش انسان بیشتر از جانور تک پاخته نیست و باید محو شود. در این دو نمونه، پرسش ها، تمام تردیدها و پریشانی های نوع بشر در برابر جوش و خروش آینده ابراز می شود.

سیوران^{۲۸} در وسوسه زیستن^{۲۹} نوشته است: «از رنسانس به بعد علم سعی داشته ما را متقاعد کند که در طبیعتی بی اعتنا زندگی می کنیم... نتیجه این می بایست کاهش اندوخته های ترس مان باشد... این خطر قابل توجهی است، چرا که این ترس یکی از شروط هستی و تعادل ما به شمار می آید... قرن ما، که روشن بین تر است، سرانجام در این مورد ابراز نگرانی کرد. علم به تهدید تبدیل شد، به سرچشمه وحشت و حالا مطمئن هستیم که از این مقدار ترسی که لازمه کامیابی ما است، برخورداریم.» و ادبیات علمی - تخیلی عامل انتشار آن است. کافی است توجه کنیم که انسان نماها، آدم های فضایی، نیروهای فرا طبیعی، نامریی بودن، انسان های جهش یافته، اکتشاف کیهکشان ها، سفر در زمان، جهان های موازی و واقعیت مجازی همچنان موضوعاتی هستند که با شعور بشریت تلفیق پیدا کرده اند و به هر شکلی از طریق رسانه ها و تبلیغات به کار گرفته شده اند. بدون آن که مدرک علمی ای وجود داشته باشد دال بر این که روزی بتوانند در زندگی روزمره ما مداخله کنند. اینها کالاهای محض سوداگرانه ای بیش نیستند که عطش اضطراب جبران کننده ما را تشدید می کنند.

جسم و ذهن، خواه به سبب دگرگونی ناگهانی جامعه، شیوه تفکر، یک منبع ناشناخته خطر یا به سبب جهش، پریشانند. برای عده کثیری، ترس چیزی جز نبود بینش نیست. ادبیات علمی - تخیلی اینجاست تا چشم بندها را بر دارد. ادبیات علمی - تخیلی با تشریح فاجعه ها، همچون یک محرک خود را تحمیل می کند از آن رو که نمایش شر، اگر از مبانی مفاهیم صرفاً عقلانی تکوین یافته باشد، برای تأثیرگذاری باید شامل مقوله احساسی نیز باشد. تلاطم و زندگی پر جوشش است که دلهره ها را متعالی می سازد و به خیالات واهی آفریده جوامع تخیلی ما جان می دهد. معاصرین ما برای از بین بردن ترس هایشان به منظور تطبیق خود، فقط یک راه حل دارند، این که با «آینده نامریی» پیمانی امضاء کنند. برای خلاصی از یقین ها، این «بی تابی نبودن»، که ادبیات علمی - تخیلی ایجاد کرده، قابلیت داستان تخیلی را در متعالی ساختن هیجانان ما به آن باز می گرداند.

بعد از انفجار اولین «بمب اتمی»، تجزیه ماده امکان پذیر شد. بنابراین، اسطوره ظاهر، که به کمک آن هرکس می تواند بر این باور باشد که با واقعیت همانند است، محل تردید قرار گرفت. به موازات این، ورود تلویزیون و هجوم فراگیر تصویر در حوزه آنچه محقق شده و در کنار توسعه سریع و مداوم وسایل ارتباطی، موجب شد تا تهدید آینده نامریی را در کنار مفهوم همه جا حاضری قرار دهند و این در همان زمانی که فرود آرمسترانگ^{۳۰} روی کره ماه برای چهار میلیارد تماشاگر حیرت زده تلویزیون پخش می شد. از آن پس، ادبیات علمی - تخیلی با حمله به قلب هدفش و با به حراج گذاشتن مصالح فناوری خود برای تعقیب هر چه نزدیک تر اضطراب های جدید بر آمده از مدرنیته، فرایند جسمیت زدایی افکار جا افتاده را آغاز کرد.

طرح از سحر داوری.

موضوع اضافه جمعیت در همه در زنگبار^{۳۱} از جان بروئر^{۳۲}، نظم زدایی آب و هوایی ناشی از فعالیت های بشری طی چهار رساله مکاشفه ای، از ج. جی. بالارد^{۳۳}، دنیای بلعیده شده^{۳۴}، باد هیچ کجا^{۳۵}، خشکسالی^{۳۶} و جنگل کریستال^{۳۷}، شلوغی ها و درگیری های متعددی که از تولد اروپا منشا گرفته، در این بشریت نازنین^{۳۸}، از دست دادن هویت فرهنگی کشورهای آسیای مرکزی بعد از خاتمه فرمان روایی شوروی، با در شرق زندگی^{۳۹} از برایان آلدیس^{۴۰}، تمدن موجودات شبیه سازی شده در کانال اوفیت^{۴۱} از جان وارلی^{۴۲}، اپیدمی هوش در موسیقی خون^{۴۳}، از گرگ بیر^{۴۴}، جسمیت زدایی از واقعیت در حک شده روی کروم^{۴۵}، از ویلیام گیسن^{۴۶}.

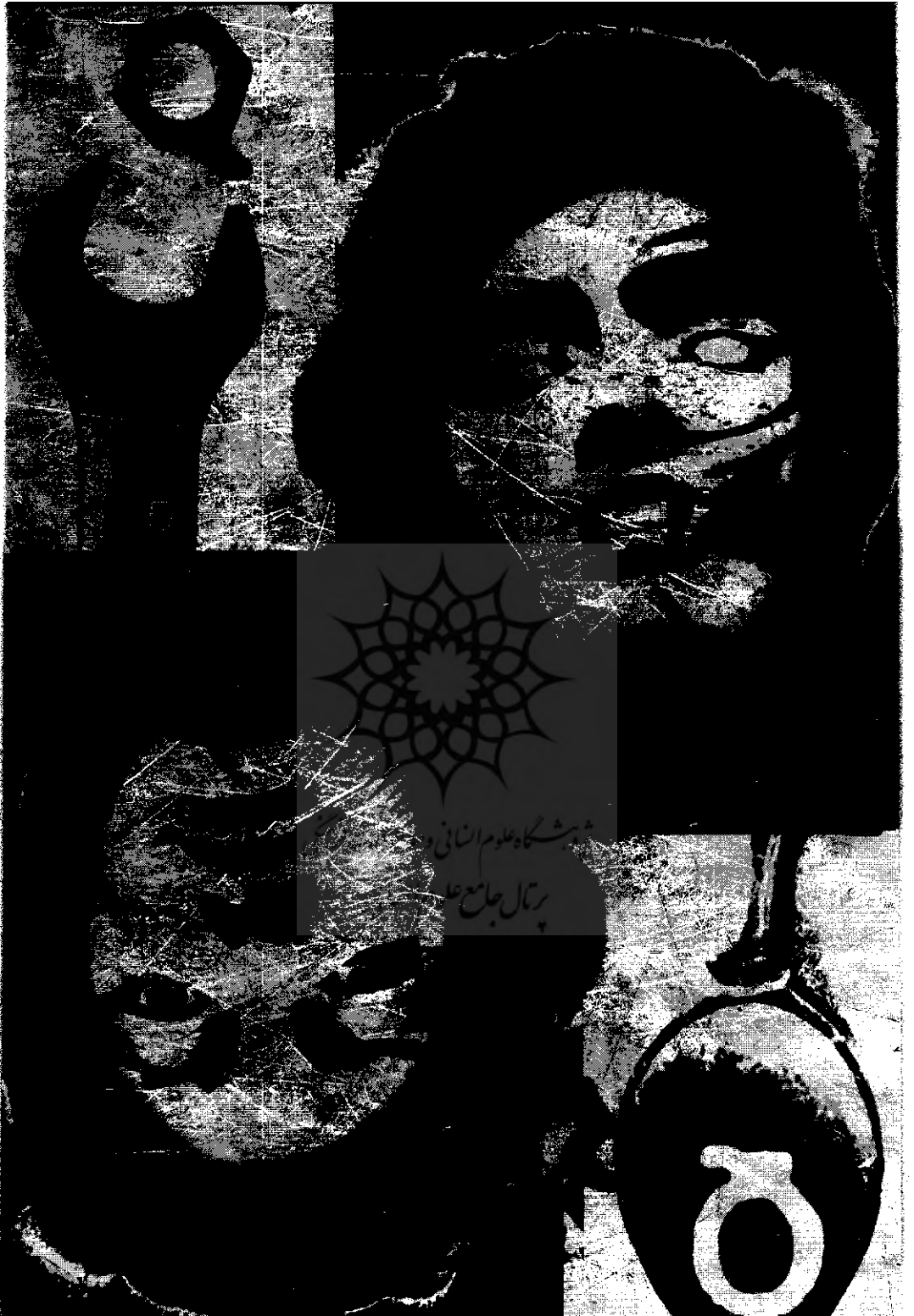
چرا برای خلق توهم یک طرز فکر فردی که به شکل معادله های نورونی در کامپیوترها نسخه نویسی می شود، چندین میلیون مگابایت کفایت نمی کنند؟ به این ترتیب گرگ ایگان^{۴۷} در دگر گشتگان^{۴۸}، نامیرایی را پیش بینی می کند. موضوعی پر اضطراب و مضطرب کننده که ادبیات علمی - تخیلی را در می نوردد و انسان را به آن پرسش غایی باز می گرداند که، حضور خود در ابدیت بهتر است یا نبود خود؟

نخستین تکان های ناشی از تعدی غیر منتظره علم و فناوری، به لرزش تمدن عمومیت یافته تبدیل شده است که احتمالاً هیچ چیز و هیچ کس را معاف نخواهد داشت. ورشکستگی

ایدئولوژی‌ها، نظم‌زدایی دولت‌ها، تهدید ساختارهای فناورانه، شکست تمام عیار فردگرایی، فشار روانی ناشی از اطلاعات اضافی، احیای رویارویی‌های دینی، روند صعودی امر مجازی و سرگیجه ژنتیکی در جامعه پیچیده مارشله می‌دوانند و تصویر چند شکلی دنیایی در حال دگرگونی را ترسیم می‌کنند. هرچه بیش‌تر شتاب جای سرعت را می‌گیرد، آینده نزدیک می‌شود و ادبیات علمی-تخیلی، بیش‌تر از اضطراب‌های حال تغذیه می‌کند. ♦♦

* از خاتم مهشید نونهالی به خاطر تصحیح و ویرایش این ترجمه سپاسگزارم. سحر داوری

- | | |
|---|---------------------------------------|
| 1. Science-Fiction: L'invisible Future / Phillippe Curval | 25. Homo Electricus |
| 2. Homeopathique : همان. درمانی | 26. Jacques Sternber |
| 3. Sigmund Freud | 27. La sortie est au fond de l'espace |
| 4. Androïde | 28. Cioran |
| 5. Frankenstein | 29. La tentation d'exister |
| 6. Mary Shelley | 30. Armstrong |
| 7. Jules Verne | 31. Tous a Zanzibar |
| 8. Arthur Clarke | 32. John Brunner |
| 9. Isaac Asimov | 33. J. G. Ballard |
| 10. Robert Heinlein | 34. Le monde engloutiz |
| 11. Clifford Simak | 35. Le vent de nulle part |
| 12. Blade Runner | 36. La sécheresse |
| 13. Philip K. Dick | 37. La forêt de cristal |
| 14. Fondation | 38. Cette chère humanite |
| 15. Ingénieurs du cosmos | 39. A l'est de la vie |
| 16. Demain, Les chiens | 40. Brian Aldiss |
| 17. Canigou | 41. Le canal ophite |
| 18. H. G. Wells | 42. John varley |
| 19. Quand le dormeur S'éveillera | 43. Musique de sang |
| 20. George Orwell | 44. Greg Bear |
| 21. Ray Bradbury | 45. Gravé sur chrome |
| 22. Chroniques martiennes | 46. William Gibson |
| 23. Ravage | 47. Greg Egan |
| 24. René Barjavel | 48. Cité des permutants |



مشکات علم انسانی
پرتال جامع علم

